

# حروف مقطعه قرآنی

## در

# حکمت متعالیه ملاصدرا

□ ابوالقاسم حسین دوست  
عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مرتبه‌ای از عالم هستی مناسبت و تطبیق یابد.

و در پایان ملاصدرا (ره) چگونگی دلالت همه حروف

مقطعه قرآنی را بر مرتبه‌ای از مراتب هستی، بیان می‌کند.

چکیده

حروف مقطعه قرآنی در آغاز برخی از سوره‌های قرآن مورد توجه خاص پژوهشگران قرآنی بوده و هر یک از مفسران بزرگ تفسیری را ارائه نموده‌اند که در آثار آنها موجود می‌باشد و اکثر آنها از سوی ملاصدرا (ره) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده در پی تبیین و تفسیر این حروف از منظر مفسر عالی‌مقام و فیلسوف گرانقدر مرحوم ملاصدرا (ره)، این نظر را در مهمترین آثار گرانسنگ او - یعنی «الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة» و «تفسیر القرآن الکریم» - جستجو می‌نماید.

ملاصدرا (ره) در بین همه نظرها، تنها دیدگاه بوعلی سینا را ترجیح می‌دهد و نظر خود را براساس مبانی حکمت متعالیه بیان می‌کند. و چون حقیقت قرآن واحد است و مراتب زیادی دارد، پس هر کسی از این حقیقت تشکیکی بهره‌ای خاص می‌برد؛ زیرا شرایط خاصی را مانند ایمان، ارتباط با اهل بیت (علیهم‌السلام) و طهارت را می‌طلبد و هر یک از این اوصاف دارای مراتبی می‌باشد و هر کس مرتبه‌ای از آنها را دارا می‌باشد. اعتقاد ملاصدرا (ره) در تفسیر این حروف بگونه‌ای است که هر یک از این حروف بر مرتبه‌ای از عالم هستی دلالت می‌کند و روش توجیهی این نوع دلالت، استفاده ابزاری از نظام حروف ابجدی مشهور است تا با ترکیب نمودن به روش جمع یا ضرب بین آنها بگونه‌ای با

کلید واژه

حروف مقطعه؛  
حکمت متعالیه؛  
حروف ابجدی.  
وجود تشکیکی؛  
نفس رحمانی؛

مقدمه

در آغاز بیست و نه سوره از سور قرآن مجید حروفی مانند: الم، الر، المص و... نازل شده است. این حروف در مجموع ۷۸ حرف است که با حذف مکررات، ۱۴ حرف آن باقی می‌ماند (که نصف حروف الفبا می‌باشد). در اصطلاح این حروف را به حروف مقطعه قرآنی نام نهادند، یعنی در کنار یکدیگر چیده شده اما کلمه‌ای را تشکیل نمی‌دهد و جدا از یکدیگر خوانده می‌شود.

براستی، خداوند از نازل نمودن این حروف که بیشتر آنها در آغاز سوره‌های مکی و چند سوره مدنی آمده، چه هدفی داشته؟ آیا امکان فهم معانی این حروف برای انسان وجود دارد؟ و چه معانی را می‌توان تصور نمود؟ اگر قرآن کریم به زبان عربی فصیح نازل شده است و اصحاب رسول گرامی اسلام (علیهم‌السلام) معانی این حروف را درک کرده باشند، پس چرا در تفسیر آنها اختلاف زیادی را شاهدیم؟

**\* ملاصدرا (ره) نسطر شیرین و لطیفی دارد که شناخت حروف را سرآغاز شناخت کلمات و جملات قرآنی می‌داند و آشنایی با این حروف را مقدمه فهم قرآن می‌داند.**

همراهی ملاصدرا و بوعلی سینا در تفسیر حروف مقطعه صدرالمتألهین در بین دیدگاههای صاحب‌نظران، تنها نظر شیخ‌الرئیس را به نظر خود نزدیک می‌داند و آنرا ترجیح می‌دهد و خود را پیرو او می‌داند و در اینباره می‌گوید:

إنَّ شيخَ فلاسفة الإسلام ذهب في رسالة سَمَها بالنيروزية إلى أنَّ هذه الحروف أسماء للحقائق الذاتية بعضها لذات الله تعالى مطلقاً وبعضها لذاته مضافة إلى ما أبدعه وبعضها لمبدعاته مطلقة وبعضها لها مضافة على الوجه الذي سنذكرها وأقسم الله بهذه الأشياء العظيمة تكريماً وتعظيماً ونحن اخترنا مذهبه وتبعنا أثر كلامه في هذا المرام.<sup>۳</sup>

### جایگاه ویژه حروف مقطعه قرآن

بدون شک آیات قرآن کریم دارای نظم و اسلوب کلامی مانند سایر گفتارهاست ولی حروف مقطعه را بر این سبک متداول نمی‌یابیم و در آغاز معانی روشنی را از آنها درک نمی‌کنیم، بنابراین از اینجهت، حروف مقطعه در تفهیم معنا مانند آیات دیگر نیست و با این شرایط، اذهان مشتاق فهم قرآن را در پی جستجوی درک معنای واقعی حروف مقطعه، به تلاش و پژوهشهای ویژه وادار نموده است؛ زیرا آن را واجد رمز و رازهای نهفته‌ای می‌داند. مرحوم ملاصدرا (ره) برای ایجاد توجه خاص به جایگاه ارزشی این حروف، از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام بهره می‌گیرد و در تفسیر خود، آنها را نقل می‌کند. از جمله:

از امام علی علیه‌السلام روایت می‌کند: **إِنَّ لِكُلِّ كِتَابٍ صِفْوَةَ وَصِفْوَةَ هَذَا الْكِتَابِ حُرُوفُ التَّهْجِيِّ؛**<sup>۴</sup> (هر کتاب گزیده‌ای شاخص دارد و گزیده این کتاب (قرآن) حروف مقطعه در آغاز سوره‌ها می‌باشد). در روایت دیگر چنین نقل می‌کند: **إِنَّ فِي كُلِّ كِتَابٍ سِرًّا وَسِرُّهُ فِي الْقُرْآنِ حُرُوفُ التَّهْجِيِّ،**<sup>۵</sup> و یا آنچه ابو عیسی الترمذی از عبدالله بن مسعود، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کند:

بهرحال مسلماً خداوند از نزول این حروف هدفی را دنبال نموده و بناچار نوعی دلالت بر معنا، و حقیقتی را باید دربرداشته باشد.

شیفتگان فهم کلام الهی در طول تاریخ در جستجوی دریافت معانی و حقایق این حروف بوده‌اند و آراء مختلفی را ارائه نموده‌اند. نگارنده سعی در بیان دیدگاه حکیم فرزانه، فیلسوف عالیمقام، مفسر گرانقدر مرحوم صدرالدین شیرازی ملقب به صدرالمتألهین، دارم. نظر این شخصیت کم‌نظیر عالم اسلامی متکی بر اصول حکمت متعالیه و دربردارنده مطالب تازه و پسندیده می‌باشد که تشنگان معارف قرآنی را به تأمل بیشتر و رجوع به سرچشمه‌های این نظر در آثار گرانسنگ او دعوت می‌نمایم. امیدوارم این تلاش ناچیز سبب طرح دیدگاه ملاصدرا (ره) در کنار نظرات دیگران، جهت بهره‌برداری پژوهشگران علوم قرآنی شود.

### آراء مختلف در تفسیر حروف مقطعه

حروف مقطعه قرآنی از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و هر کسی نظر خاصی را پیرامون این حروف ارائه نموده و شاید بتوان بیش از بیست نظر را جمع‌آوری نمود. مرحوم ملاصدرا (ره) در بیان دیدگاههای مختلف مفسران از گفتار مرحوم طبرسی (ره) در کتاب شریف **مجمع‌البیان** کمک گرفته و ۱۰ نظر را بیان می‌کند و در ادامه هر یک از آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و اثبات می‌کند هیچیک از این نظرها نمی‌تواند عقل و دل را آرام و مطمئن گرداند.<sup>۱</sup> و در جای دیگر چنین می‌گوید:

قد اختلف كلمة المفسرين والمؤولین في حروف التهجي الواقعة في أوائل السور من القرآن المبين فقد ذكروا وجوهاً مذكورة في التفاسیر المتداولة المشهورة وشيء منها لا يطمئن به القلب ولا يسكن إليه الزوع.<sup>۲</sup>

۱. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، جلد ۱، ص ۲۱۰.

۲. همان، جلد ۶، ص ۱۴. ۳. همان، جلد ۱، ص ۲۱۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی علوم قرآن، تهران ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۲.

۵. صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۴.

«من قرأ حرفاً من كتاب الله فله حسنة والحسنة بعشر أمثالها لأقول و «الم» حرف بل الالف حرف واللام حرف والميم حرف»<sup>۶</sup>.

ملاصدرا (ره) توجه به حروف مقطعه قرآنی را از عنایتهای ربانی برای ایجاد زمینه رشد و تعالی انسان می‌داند و در اینباره می‌گوید:

فإن العناية الربانية لما تعلقت بتربية الأطفال والأولاد الملكوتية أفاد لهم ورزقهم من تحف ذلك العالم وهدايا الجنة في كسوة الحروف المفردة والظروف المقطعة على طريقة الرمز والإشارة لتلايطلع عليها الأغيار.<sup>۷</sup>

و نیز ملاصدرا (ره) دیدگاه خود را پیرامون قرآن با زبان شعری خود چنین می‌سراید:

هست قرآن چون طعامی کز سما

گشته نازل از برای اغتذا

اغتذای آدم از لوح و قلم

اغتذا یابد دواب از راه فم

«فی السماء رزقکم» گفته خدا

رزق انسان گشته نازل از سما

روزی انسان رسد از آسمان

روزی حیوان بود از آتش و نان<sup>۸</sup>

شناخت حروف سرآغاز شناخت کلمات

ملاصدرا (ره) نظر شیرین و لطیفی دارد که شناخت

حروف را سرآغاز شناخت کلمات و جملات قرآنی

می‌داند و آشنایی با این حروف را مقدمه فهم قرآن

می‌داند. برای درک این لطافت ربانی چند جمله‌ای از گفتار

ملاصدرا تقدیم می‌دارم:

إنَّ أوَّل ما یکشف لأولاد روح القدس فی مکتب

التقدیس، معنی اللوح والقلم والكتابة والرقم ومعنی

«الم» و «طه» و... وبعدها الكلمات المركبة

الفرقانية.<sup>۹</sup>

در بیان دیگری می‌گوید:

أیها السالك المسكين، إنَّ أوَّل ما یرتسم فی لوح

القارئ المبتدی، حروف التهجي لیستعدَّ بذلك

لتلاوة الآيات المکتوبة فی الصحیفة القدسیة...<sup>۱۰</sup>

و خود در این موضوع اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند:

فقد انجلی لك أیها المسكين أنَّ ما ارتسم فی لوح

السالك المبتدی حروف أبجد لیستعدَّ بذلك

الانقشاش بمفاد قوله «اقرأ باسم ربك الذی...» وعند

ذلك یسهل علیه معرفة القرآن وتعلم لفظه ومعناه

ومنطوقه وفحواه «ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من

مذکر».<sup>۱۱</sup>

حقیقت تشکیکی قرآن کریم

در زبان اهل بیت علیهم‌السلام از قرآن کریم بعنوان تجلی

خداوند یاد شده است. امام علی علیه‌السلام در توصیف قرآن

می‌فرماید: فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر أن یكونوا

رأوه؛<sup>۱۲</sup> (خداوند سبحان برای انسانها در کتاب خود

(قرآن) تجلی نموده است بدون اینکه او را ببینند).

از سوی دیگر براساس حکمت متعالیه، ملاصدرا

معتقد است، قرآن کریم دارای یک حقیقت ولی با مراتب

مختلف تشکیکی است. در اینباره می‌فرماید:

فإنَّ القرآن وإن كان حقیقته واحدة لکنه ذو مراتب

ومواطن کثیرة فی النزول؛<sup>۱۳</sup> (همانا قرآن، اگر چه

حقیقت واحد است ولی در سیر نزولی دارای

مراتب و جایگاههای زیادی است).

در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می‌کند و

می‌فرماید:

وبالجملة إنَّ للقرآن درجات ومنازل كما للإنسان

وأدنی مراتب القرآن وهو ما فی الجلد والغلاف

كأدنی مراتب الإنسان وهو ما فی الإهاب والبشرة.<sup>۱۴</sup>

(بطور کلی قرآن دارای درجات و مراتبی مانند

انسان می‌باشد پایینترین مرتبه قرآن، آنچه‌ی

است که بر روی ورق و کاغذ ظاهر می‌شود مانند

پایینترین مرتبه انسان که در پوست و موی او

ظاهر شده است).

بنابراین هر کس یا مرتبه‌ای از قرآن ارتباط دارد و شاید

۶. همان، ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. صدرالمناهلین محمد بن ابراهیم شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار

العقلیة الأربعة، المطبعة العلمیة، قم، ج ۷، ص ۴۱.

۸. صدرالمناهلین محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم،

تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۹.

۹. صدرالمناهلین محمد بن ابراهیم شیرازی، الحکمة المتعالیة فی

الأسفار العقلیة الأربعة، المطبعة العلمیة، قم، ج ۷، ص ۴۰.

۱۰. همان، ج ۷، ص ۴۲.

۱۱. صدرالمناهلین محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم،

تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۹.

۱۲. صحیح صالح، نهج البلاغه، ص ۴۴۶.

۱۳. صدرالمناهلین محمد بن ابراهیم شیرازی، الحکمة المتعالیة فی

الأسفار العقلیة الأربعة، المطبعة العلمیة، قم، ج ۷، ص ۳۱.

۱۴. همان، ص ۳۹.

بتوان ریشهٔ اختلاف در تفسیر حقیقت قرآن و حروف مقطعه آن را، در اینجا جستجو نمود و شناخت واقعی نیازمند شرایط خاصی می‌باشد تا آنچه را بزرگان به آن دست یافته‌اند ما شروع کنندگان با تحصیل آن شرایط به آن حقایق برسیم، ان شاء الله.

### شرایط شناخت واقعی حروف مقطعه

صدرالمتألهین (ره) معتقد است، شناخت حروف آغازین سوره‌ها و سپس کلمات و جملات قرآن زمینه‌ها و شرایطی را می‌طلبد که مهمترین آنها عبارتست از:

الف: ایمان به حقیقت دنیا و آخرت: در واقع باید گفت اولین و مهمترین شرط فهم قرآن هجرت قلبی و روحی قاری از دنیا بسوی آخرت می‌باشد، ملاصدرا (ره) در اینباره می‌گوید:

وجمله القول أنّ من لم يظهر عليه سلطان الآخرة ولم يقم بعد عن قبر هذه النشأة لم يطلع على معاني الكلام ورموز آيات القرآن وحروفه وكلماته ولم يحدث معه حروف المقطعة.<sup>۱۵</sup>

نشانهٔ تحقق چنین هجرت روحی، درک حقیقت حروف مقطعه می‌باشد. ملاصدرا (ره) در اینباره می‌گوید:

فأول علامة من ارتفع من هذا المنزل أن ينكشف عليه معرفة الحروف المقطعة وكيفية نزولها في لوح الكتاب ثم في صدور منشرحة لأولي الأبواب.<sup>۱۶</sup>

ب: ارتباط با اهل بیت (علیهم‌السلام): در میان راههای مختلف شناخت قرآن، نزدیکترین و محکمترین راه، بهره‌گیری از اهل بیت (علیهم‌السلام) است آنانکه زمینهٔ شناخت عمیق قرآن را برای انسان آماده نموده‌اند. ملاصدرا (ره) با درک چنین حقیقتی می‌گوید:

إنّ فهم غرائب ورموزه وعجائبه ممّا لم يتيسر لأحد من الناس - وإن كان من الأكياس - إلا لمن درس علم اليقين وتعلم في مدارس آل ياسين...<sup>۱۷</sup>

در بیان دیگری فرمود: وهذا التذکر لا يتيسر إلا لمن درس وتعلم من مكتب «أول ما خلق الله نوري».<sup>۱۸</sup>

ج: طهارت قاری: انسانی که می‌خواهد وارد فضای کلام الهی گردد و از آیات بهره کافی ببرد باید از طهارت کافی برخوردار باشد تا انوار الهی قلب و روح پاک او را مزین نماید و مراتب هدایت او شامل افرادی می‌شود که طهارت لازم آن مرتبه را داشته باشند. ملاصدرا (ره) در اینباره می‌گوید:

وللقرآن في كل مرتبة ومقام حملة يحفظونه ويكتبونه ولا يمسونه إلا بشرط طهارتهم عن حدثهم أو عن حدوئهم.<sup>۱۹</sup>

مراتب شناخت حروف مقطعه مختلف است. با توجه به اینکه میزان رشد عقلی و قلبی افراد مختلف است و از سوی دیگر حقیقت قرآن نیز دارای مراتب مختلفی می‌باشد. پس هر کس بمیزانی از قرآن بهره می‌برد.

### \* صدرالدین شیرازی اعتقاد دارد

حروف مقطعه هر یک بروش خاصی بر مراتب هستی دلالت می‌نماید و در توجیه و تبیین نظر خویش از روابط موجود در حروف ابجدی مانند ضرب یا جمع - بگونه‌ای ابزاری - استفاده می‌کند تا راهی مناسب در تطبیق یافتن این حروف بر مرتبه‌ای از عالم هستی بدست آید.

ملاصدرا (ره) در بیان این مطلب می‌گوید:

فلا جرم حظوظهم من آیات كتاب الله مختلفة كثافة أغذية الناس والأنعام ممّا ثبت في الأرض من سائر الطعام؛ لظائفة منها القشور كالتبن والتخالة ووظائفة اللبوب والأدهان كالحب من الحنطة والدهن من الزيتون.<sup>۲۰</sup>

در بیان شعری خود چنین می‌سراید:

تسوز قرآن بسنگری افسانها

قشروکة بینی نه مغز و دانه‌ها

هست بسهر آدمی دهن و لبوب

تبن و قشر از بهر حیوان نی خوب<sup>۲۱</sup>

۱۵. همان، ص ۴۳. ۱۶. همان، ص ۴۲.

۱۷. همان، ص ۴۰.

۱۸. صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۹.

۱۹. صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، المطبعة العلمیة، قم، ج ۷، ص ۳۹.

۲۰. صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲۱. همان، ج ۶، ص ۱۰.

در جای دیگر خاص حروف مقطعه چنین می‌گوید:  
 في كل حرف من حروفه الف رمز وإشارة وخنج ودلال  
 وجلب لقلوب العشاق المشتاقين إلى روح الوصال.<sup>۲۲</sup>  
 دیدگاه ملاصدرا پیرامون معنادار بودن حروف  
 مقطعه:

اگرچه بین دانش پژوهان علوم قرآنی، افرادی اعتقاد دارند حروف مقطعه دارای معنا نمی‌باشند و برخی دیگر این حروف را دارای معنا می‌دانند ولی علم آن را تنها نزد خدا و رسولش می‌دانند، ولی ملاصدرا با بهره‌گیری از آیات و روایات نظرات آنها را رد می‌کند و می‌گوید:

واعلم أنّ هذا القول ليس بسديد لأنه لا يجوز أن يرد في كتاب الله ما لا يكون مفهوماً للخلق إذ هو مما أنزله الله لهداية الخلق وإرشادهم.<sup>۲۳</sup>

و حتی در توجیه روایاتی که حروف مقطعه را به عنوان «سر الله» و «صفوة كتابه الله»، معرفی می‌کند، می‌گوید: فليس فيه ما يدل على أنّ معاني هذه الحروف غير مفهومة.<sup>۲۴</sup>

#### تفسیر صدرایی از حروف مقطعه

پس از بیان مطالب یادشده، اکنون در روشن نمودن دیدگاه ملاصدرا (ره) پیرامون حروف مقطعه قرآن باید گفت که حروف مقطعه مانند آیات دیگر نازل شده و دارای معنا و مفهوم می‌باشد، ولی بسبب و سیاق آیات دیگر نمی‌باشد. براساس اصل اصالت وجود در حکمت متعالیه و وجود تشکیکی هستی که در جای خود تبیین و اثبات شده است، صدرالدین شیرازی اعتقاد دارد حروف مقطعه هر یک بروش خاصی بر مراتب هستی دلالت می‌نمایند و در توجیه و تبیین نظر خویش از روابط موجود در حروف ابجدی مانند ضرب یا جمع - بگونه‌ای ایزاری - استفاده می‌کند تا راهی مناسب در تطبیق یافتن این حروف بر مرتبه‌ای از عالم هستی بدست آید؛ اگرچه او در تفسیر خویش از روش استحسان استفاده می‌کند ولی باید توجه داشت در این مورد حقایقی را دریافت نموده که نمی‌توان از طریق نوشتار به دیگران انتقال داد و چه زیبا خود ملاصدرا (ره) در پایان نظر خویش می‌گوید:

ولا يمكن أن يكون للحروف دلالة غير هذا البتة، ثم هذا أسرار يحتاج إلى المشاهدة.<sup>۲۵</sup>

بنابراین آنچه بیان گردید، تمام حقیقت دریافتی ملاصدرا (ره) در تفسیر این حروف نمی‌باشد بلکه باید راه

او پیموده شود تا واردات قلبی او را دریافت کنیم و نگارنده با چند مقدمه توضیح بیشتری را تقدیم می‌دارم و از خداوند درخواست می‌کنم همه ما را در پیمودن سلوک عقلی و قلبی برای دریافت حقایق قرآنی موفق گرداند، ان شاء الله.

اولاً - شباهت داشتن نَفَسِ رحمانی در صدور موجودات و نَفَسِ انسانی در صدور حروف.  
 ملاصدرا(ره) در بیان این شباهت می‌گوید:

فمن المضاهاة الواقعة بين النفس والرب، أنّ النَفَسَ الإنساني الخارج من القلب المار على منازل الحروف والكلمات التي هي أخص خواص الإنسان من بين الكائنات هي بإزاء النَفَسِ الرحماني وانسباط الفيض الوجودي المار على مراتب أعيان الممكنات الذي هو من خواص الإلهية وآيات الرحمانية.<sup>۲۶</sup>

در این شباهت موجود، از نَفَسِ انسانی بیست و هشت حرف صادر می‌شود که برحسب مراتب مخلوقات خداوند می‌باشد. ملاصدرا (ره) در اینباره اینگونه بیان می‌دارد:

فهذه النفس الضروري من الإنسان الخارج من باطنه وجوفه يتعين بحسب مروره على المخارج الصوتية والمنازل العرفية على ثمان وعشرين صورة على حسب مراتب الموجودات الصادرة عن الحق تعالى.<sup>۲۷</sup>

وی درباره این شباهت، از سوی خداوند به نسبت انسان چنین می‌گوید:

علمنا أنّ الكلمات هي الموجودات الصادرة عنه الناشئة عن ذاته من غير توسط مادة أو محل أو استعداد على مثال الحروف والكلمات الناشئة من الإنسان التي يتشكل بها الهواء الخارج من باطنه.<sup>۲۸</sup>

در پایان می‌توان به این نتیجه‌گیری ملاصدرا (ره) از شباهت انسان با خداوند رسید که هر حرفی دلالت بر موجودی دارد و در اینباره می‌گوید: فكل حرف بإزاء موجود من الموجودات الأصلية الإبداعية الإنشائية.<sup>۲۹</sup>

ثانیاً - مراتب هستی در حکمت متعالیه بگونه‌ای

۲۲. همان، ص ۹. ۲۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۵.  
 ۲۴. همان، ص ۲۰۷. ۲۵. همان، ج ۱، ص ۲۲۱.  
 ۲۶. همان، ص ۱۸۸. ۲۷. همان، ص ۱۸۸.  
 ۲۸. همان، ص ۱۹۴. ۲۹. همان، ص ۱۸۸.

**\* ملاصدرا (ره) در توجیه دیدگاه تفسیری خود پیرامون دلالت حروف مقطعه بر حقایق هستی و مراتب آن، از نظام و قواعد حاکم بر حروف ابجدی متداول و مشهور کمک می‌گیرد تا بتواند به‌تر دیدگاه خود را برای افراد توجیه کند.**

هستی دلالت می‌کند! و هر یک از حروف را بر این نظام تطبیق می‌دهد) مثلاً، در مورد «الم» می‌گوید:  
 إِنَّ المدلول عليه بـ«الم» هو القَسَمُ بالأوَّلِ ذِي الأَمْرِ والخلق و «بالم» القَسَمُ بالأوَّلِ ذِي الأَمْرِ والخلق وهو الأوَّلُ والآخِرُ والأمر والخلق والمبدأ الفاعلي والمبدأ الغائي جميعاً... و «حم» قسم بالعالم الطبيعي الواقع في الخلق و «طس» يمين بعالم الهيولي الواقع في الخلق والتكوين و...<sup>۳۱</sup>

در پایان این نکته را متذکر می‌شویم که تطبیق اوصاف حروف بر حقایق از عالم هستی در روایات شیعه وارده شده و شاید بتوان زمینه این روش ملاصدرا (ره) در تفسیر حروف مقطعه قرآنی را در روایات شاهد باشیم و حتی ملاصدرا (ره) روایت ثعلبی را که به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام اسناد می‌دهد، چنین نقل می‌کند که از امام جعفر صادق علیه السلام درباره «الم» سؤال شد، سپس امام علیه السلام در پاسخ اسحاق فرمودند: در «الف» شش صفت از صفات الهی وجود دارد، و سپس آنها را بیان می‌کند.<sup>۳۲</sup> و ملاصدرا (ره) با تأمل در احوال «الف» از اسراری پرده برمی‌دارد که افزون بر هفت نوع رمز را در ادامه بیان می‌کند. و ما همه علاقمندان را به رجوع و مطالعه این بخش از تفسیر دعوت می‌نماییم.<sup>۳۳</sup>

#### نتیجه‌گیری

در پایان این مقاله می‌توان نتیجه گرفت، اولاً حروف مقطعه قرآنی بعنوان آیات نازل شده از سوی خداوند حکیم دارای معنا و مفهوم می‌باشد ولی نه به سبک متداول کلامی، و ثانیاً برای انسان با شرایط ویژه خود و ایمان و طهارت، امکان فهم معانی این حروف وجود دارد، و ثالثاً دیدگاه مرحوم ملاصدرا (ره) در فضای حاکم بر حکمت متعالیه نوعی ظرافت و لطافت خاصی را دارد که برای دانش‌پژوهان قرآنی تازه و شیرین است، و نیز هماهنگ با نظر بوعلی سینا می‌باشد. بطور خلاصه باید گفت نظر ملاصدرا (ره) در تفسیر حروف مقطعه قرآن تطبیق یافتن این حروف بر مرتبه‌ای از مراتب عالم هستی با استفاده از روش و نظام حروف ابجدی می‌باشد. «والله عالم بحقائق کتابه».

\* \* \*

تنظیم گردیده که در طول یکدیگر قرار می‌گیرد و هر مرتبه نازلی، ظهوری از مرتبه بالایی خود می‌باشد و نیز امکان ندارد عالم جسمانی بطور دفعی موجود شده باشد، همانطوریکه واحد، مبدع اعداد و کثرات می‌باشد خداوند نیز مبدع عالم کثرات است. ملاصدرا (ره) در تبیین این نظام عالم هستی چنین می‌گوید: لا شبهة أن الله قد أوجد الموجودات المتأصلة على ترتيب ونظام الأوَّل والثاني والثالث على ترتيب مراتب العدد.<sup>۳۰</sup>

بنابراین در این نظام الهی، موجود هر قدر شریفتر و کاملتر باشد وحدت آن ظاهرتر و به حق نزدیکتر است و برعکس، هر اندازه موجود پست تر باشد جهات کثرت در آن بیشتر هویدا و از حق دورتر است.

با توجه به این مقدمات می‌توان گفت، ملاصدرا (ره) در توجیه دیدگاه تفسیری خود پیرامون دلالت حروف مقطعه بر حقایق هستی و مراتب آن، از نظام و قواعد حاکم بر حروف ابجدی متداول و مشهور کمک می‌گیرد تا بتواند بهتر دیدگاه خود را برای افراد توجیه کند.

از آنجا که بعضی موجودات بسیط و بعضی مرکب می‌باشند و از سوی دیگر برخی اضافه به غیر دارند و برخی بدون اضافه اعتبار می‌گردند حروف نیز بر همین سبک اعتبار می‌شوند بگونه‌ایکه از «ابجد» تا «حطی» حروف آحاد است و مناسب موجودات بسیط و عالم مجردات می‌باشد و با حروف عشرات جمع یا ضرب می‌نماییم تا با مرتبه‌ای از مراتب ایجاد و وجود مناسب گردد. مثلاً «الف» دلالت بر ذات باریتعالی و «باء» بر عقل و «جیم» بر نفس و «دال» بر طبیعت دلالت دارد، این در شرایطی است که بدون اضافه به غیر اعتبار نماییم.

ملاصدرا (ره) پس از بیان این مقدمات می‌گوید:

براین اساس (هرگاه بخواهیم حروف مقطعه در اوائل سوره‌های قرآن کریم را تطبیق دهیم، بر مرتبه‌ای از عالم

۳۰. همان، ص ۲۱۶.

۳۱. همان، ص ۱، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳۲. همان، ص ۱، ج ۱، ص ۱۹۷.